

تهیه‌کننده و کارگردان مسابقه «کهکشانی» از بازی همزمان ۱۰ نفر با اپلیکشن این مسابقه تلفنی به‌صورت شبانه خبرداد.

بهراد رضازاده، تهیه‌کننده مسابقه کهکشانیا درباره این مسابقه که از شبکه پنج سیما روی آنتن می‌رود بیان کرد: این مسابقه از دل مسابقه «کهکشان» در آمده است، چون ما در فصل اول مسابقه کهکشان از یک اپلیکشن رونمایی کردیم که مخاطب می‌توانست با آن، بازی‌ها را همزمان باشرکت‌کنندگان خود،مسابقه‌تلوویزیونی انجام دهد.

«کهکشانی»

روی آنتن شبکه ۵

گفت‌وگو با «یو هویی»، بازیگر اصلی درام تاریخی «سه برادر»

هیچ چیز را نباید ساده گرفت

تولید درام‌های تاریخی باشکوه از دیرباز یکی از علاقه‌های هر دو صنعت سینما و تلویزیون بوده است. این علاقه تا آنجا شدت دارد که حتی کشوری مثل کره جنوبی که یک تاریخ غنی کهنسال ندارد با ساخت مجموعه‌های متنوع تاریخی به دنبال خلق تاریخی بزرگ برای خود است. هنرمندان تلویزیونی چین هم نسبت به این ژانر پرطرفدار بی‌تفاوت نیستند و هر چند وقت یک‌بار سراغ گوشه‌ای از تاریخ کهن و پرفرازونشیب خود رفته و اثری پرخرق و تماشایی را برای بینندگان داخلی و بین‌المللی آماده می‌کنند. «سه برادر» یکی از این نمونه‌هاست که پخش آن از مدتی قبل از شبکه تماشا آغاز شده است. این درام پرطنش تاریخی با نام اصلی «سه پادشاهی» در سال ۲۰۱۰ روی آنتن تلویزیون چین رفت و خیلی زود لقب یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های سال این رسانه را گرفت. جذابیت سه برادر و ساخت و پرداخت دقیق و قابل توجه آن، خیلی زود باعث شد شبکه‌های تلویزیونی بسیاری از کشورهای همسایه دور و نزدیک هم آن‌را برای پخش خریداری کنند. این درام دوره‌ای براساس ماجراهای سلسله «هان» است و فیلمنامه‌اش با نگاهی به درام تاریخی قرن چهاردهمی «رومانس سه پادشاهی» و بقیه روایت‌های تاریخی مردمی از آن دوران نوشته شده است. گان‌وژی ژئی، کارگردان مجموعه بعد از تولید و پخش آن، کتابی با همکاری همسرش به چاپ رساند و تمام مراحل تولید فیلم را با بینندگان مجموعه به اشتراک گذاشت. از این کتاب به‌عنوان یکی از مستندات جذاب و قابل ارجاع علاقه‌مندان و دانشجویان رشته‌های تصویری برای آشنایی با چگونگی تولید اثری پرهزینه اسم می‌برند. «یو هویی»، بازیگر اصلی مجموعه در نقش یکی از سه سلحشوری بازی می‌کند که همراه دوستانش برادری بسته تا آرامش و عدالت را در جامعه پرآشوب آخر حکمرانی سلسله هان برقرار کند. متن حاضر ترجمه از مصاحبه این بازیگر با «چاینا نیوز» است.



کیکاوس زیاری گروه رسانه

آن از مدتی قبل از شبکه تماشا آغاز شده است. این درام پرطنش تاریخی با نام اصلی «سه پادشاهی» در سال ۲۰۱۰ روی آنتن تلویزیون چین رفت و خیلی زود لقب یکی از پربیننده‌ترین مجموعه‌های سال این رسانه را گرفت. جذابیت سه برادر و ساخت و پرداخت دقیق و قابل توجه آن، خیلی زود باعث شد شبکه‌های تلویزیونی بسیاری از کشورهای همسایه دور و نزدیک هم آن‌را برای پخش خریداری کنند. این درام دوره‌ای براساس ماجراهای سلسله «هان» است و فیلمنامه‌اش با نگاهی به درام تاریخی قرن چهاردهمی «رومانس سه پادشاهی» و بقیه روایت‌های تاریخی مردمی از آن دوران نوشته شده است. گان‌وژی ژئی، کارگردان مجموعه بعد از تولید و پخش آن، کتابی با همکاری همسرش به چاپ رساند و تمام مراحل تولید فیلم را با بینندگان مجموعه به اشتراک گذاشت. از این کتاب به‌عنوان یکی از مستندات جذاب و قابل ارجاع علاقه‌مندان و دانشجویان رشته‌های تصویری برای آشنایی با چگونگی تولید اثری پرهزینه اسم می‌برند. «یو هویی»، بازیگر اصلی مجموعه در نقش یکی از سه سلحشوری بازی می‌کند که همراه دوستانش برادری بسته تا آرامش و عدالت را در جامعه پرآشوب آخر حکمرانی سلسله هان برقرار کند. متن حاضر ترجمه از مصاحبه این بازیگر با «چاینا نیوز» است.

آی طلی مدت کوتاهی به یکی از موفق‌ترین بازیگران روز تبدیل شده‌اید. این موضوع را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
نسل ما تلاش زیادی برای خلق یک دنیا بهتر کرده است. امیدوارم من هم بتوانم به بهترین نحو بکوشم تا خدمات بیشتری برای کشور و مردم انجام دهم. ایده‌آلم این است که بتوانم در رابطه با وظایف فرهنگی کشور، سهمی داشته باشم و کاری انجام دهم.

آی دوران کودکی بسیار سختی داشتید؟

بله. زمانی که بچه بودم، پدرم درگذشت و مادرم باید به‌تنهایی ۹ فرزند را بزرگ می‌کرد. دوران بسیار سختی بود و باوجود این، تلاش زیادی کردم تا به‌تحصیل ادامه دهم. می‌دانستم باید تلاش کنم تا آینده‌ای بهتر برای خود بسازم. دوران نوجوانی پرشوروری داشتم و البته کمی هم تنبل بودم. در دوره دبیرستان نگران و مردد بودم که می‌خواهم در آینده چه‌کار کنم. ورود گروه هنری درام به مدرسه مرجع‌تاج داد و احساس کردم علاقه‌مند

به بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

برای حضور در آکادمی باید سفری ۲۹ساعته از خانه تا مقصد می‌کردید. کار راحت و ساده‌ای نبود. فاصله خانه تا شانگهای بسیار زیاد بود و در این شهر غریب بودم. در سال اول حضور سختی‌های زیادی کشیدم. آب و هوا با مزاجم سازگار نبود و به غذا فرهنگ منطقه و زنان آن عادت و آشنایی نداشتم. سر کلاس‌های درس هم آدم‌هایی از نقاط مختلف کشور با روحیانی کاملاً متفاوت بودند. به اینها انتقادهای

بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

برای حضور در آکادمی باید سفری ۲۹ساعته از خانه تا مقصد می‌کردید. کار راحت و ساده‌ای نبود. فاصله خانه تا شانگهای بسیار زیاد بود و در این شهر غریب بودم. در سال اول حضور سختی‌های زیادی کشیدم. آب و هوا با مزاجم سازگار نبود و به غذا فرهنگ منطقه و زنان آن عادت و آشنایی نداشتم. سر کلاس‌های درس هم آدم‌هایی از نقاط مختلف کشور با روحیانی کاملاً متفاوت بودند. به اینها انتقادهای

بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

وی اضافه کرد: ما تابستان امسال تصمیم گرفتیم که آن مسابقه را به‌صورت زنده روی خط بیاوریم و مخاطبانی که زمان پخش کهکشان و از طریق اپلیکیشن بازی می‌کردند حالا هر شب بتوانند با این مسابقه تلفنی هم بازی کنند.کارگردان مسابقه درباره اقبال نسبت به آن اظهار کرد: استقبال خیلی خوبی از مسابقه رخ داده است و هرشب حدود ۱۰هزار نفر در اپلیکیشن بازی می‌کنند که عدد بسیار بالایی است و ما در طول پخش فصل اول مسابقه کهکشان آماری داشتیم که این حجم



۱۰هزار نفر) اپلیکیشن رانصب کرده بودند و حالا بالای ۴۰هزار کاربر دارد که آن رانصب کرده‌اند و بیش از ۱۰هزار نفر هرشب بازی می‌کنند. وی درباره این تعداد کاربر آنلاین عنوان کرد: از این میان سه نفر هم برنده می‌شوند. غیر از مسابقه تلفنی، یک مسابقه پیامکی هم داریم که از طریق آن هم چند هزار نفر هرشب پیامک ارسال می‌کنند. رضازاده درباره زمان پخش این مسابقه اعلام کرد که مسابقه تلفنی کهکشانی یکشنبه تا پنجشنبه ساعت ۲۲ روی آنتن شبکه پنج و امید به‌صورت همزمان روی آنتن می‌رود.



درنگ

یک مرد با هزاران چهره

یو هویی درباره حسش از لقب «یک مرد با هزاران چهره» که بسیاری از منتقدان به او داده‌اند، می‌گوید: هم آنها و هم تماشاگران نسبت به من لطف دارند. برای من نکته مهم این است که نقش خودم را درست و منطقی بازی و تصویری صادقانه از شخصیت مورد نظر خلق کنم. اگر از خودم بی‌پرسید، احساس می‌کنم بعضی نقش‌ها را باید دوباره بازی کنم و تغییراتی در آنها بدهم. در شکل فعلی شان، کمی از آنها ناراضی هستم. یک بازیگر زمانی از بازی اش لذت می‌برد که توانسته باشد تمام احساسات انسانی را در نقش هایش تجربه کرده باشد. اگر این چنین نباشد، او هنوز باید یاد بگیرد. با آموزش‌های تازه، خودم را غنی‌تر می‌کنم و این موضوع ظرفیت‌هایم را گسترش می‌دهد.

بزرگ درس‌های زیادی به من آموخت. این نکته کمک کرد تا در ژانرهای مختلف در سینما و تلویزیون کار کنم و شخصیت‌های متعدد و متنوعی را بازی کنم. به عنوان مثال، تاکنون چند نسخه سینمایی و تلویزیونی از سه برادر تولید شده و خوشحالم که بسیاری از تماشاگران، بازی مراد در نقش محوله پسندیده و می‌گویند در بین تمام نسخه‌های مختلف سه برادر بازی من بهترین بوده است. **آی بعد از حضور در پروژه‌های مختلف، حالا کار برای‌تان راحت‌تر شده است؟**
نه تنها در طول سال وقت کمی برای استراحت دارم، بلکه مدت زمان کوتاهی را نزد خانواده هستم. پرکاری تنها کار سخت فیزیکی و خسته شدن نیست. از نظر روحی و روانی هم خسته می‌شوید. باید بگویم سر صحنه فیلمبرداری مشکلات زیادی در اجرا وجود دارد که باید بر آنها غلبه کنید. آنچه باعث می‌شود تا کار ادامه یابد، عشق به کار و حرفه بازیگری است.

بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

بازیگری هستم. از آنجا که خجالتی بودم و کم حرف، فکر نمی‌کردم در این زمینه موفقیتی به‌دست بیاورم. می‌دانستم فقط با آموختن بهتر این حرفه است که می‌توانم کاری در تئاتر و بقیه هنرهای نمایشی پیدا کنم. برای همین راهی آکادمی تئاتر شانگهای شدم. از آنجا که از منطقه ما کسی وارد آکادمی نشده بود، احساس خوشحالی و خشنودی می‌کردم و خودم را آدم خوش شانس می‌دیدم.

رسانه

MEDIA

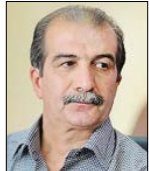
یکشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۱

شماره ۶۳۴۸

زاویه دید

نگاهی به سریال «آتش سرد»

مصاف عشق و ایمان با آتش خشم و کین



جبارالدین منتقد و مدرس

ملودرام اجتماعی، خانوادگی و انتقادی «آتش سرد» به‌تهیه‌کنندگی علی مهام و کارگردانی رضا یوفاضلی، این شب‌ها خانواده‌ها و بینندگان شبکه دوی سیما را به تماشای خود نشانده است. این مجموعه تلویزیونی به دلیل مضامین و محتوای اخلاقی مدار خانوادگی، اجتماعی و ساختار هنری در گونه‌ها و ژانرهای ملودرام و اجتماعی می‌گنجد. تمام موجودات و از جمله انسان، در موقعیت‌ها و مناسبات متفاوت اجتماعی و خانوادگی، آتش‌هایی برپا می‌کنند که انسان‌ها، زندگی‌ها و هستی‌ها را می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. جنگ‌ها و آشوب‌ها، نمودار بارز چنین خصیصه آتش و آتش‌افروزی است. با این همه، آتش می‌تواند باامداد و معجزه الهی برابراهی نیی، سرد و گلستان شود ولی آتش‌های خشم، حسد، کین، جاه، مقام‌خواهی و ظلم و ستم و کدامین معجزه و آب می‌تواند خاموش نماید؟ بدون شک این مهم هم نیازمند معجزه است و قرآن، آموزه‌ها، آیین‌های الهی و مهارت‌های علمی، دانش و تجارب بشری، همان آب‌های حیانبخش و نابوگر خشم و غضب و جنگ و خونریزی‌اند که باید در جلال با شعله‌های خشم آتش از برکات آنها استفاده کرد. نویسندگان و کارگردان آتش سرد از چنین منظر و نگاه است که به تولید سریال خود پرداخته‌اند. آنها با یاری هنرمندان و بازیگران توانمند سریال و ویژه بازی خوب و قوی شاهد احمدلو و پردازش داستانی ملودراماتیک باچاشنی عشق در بستر مسائل و چالش‌های خانوادگی و اجتماعی و صف‌آرایی نیروهای خیر و شر در چارچوب مناسبات اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی دودوست و دو خانواده، به نمایش آتش‌ها و آتش‌افروزی‌ها و آتش‌نشان‌های علم، ایمان و معرفت در سریال پر فراز و فرود، سراسر کشمکش، جذاب و مخاطب‌پسند خود مبادرت کرده‌اند. آتش سرد در کنار ارائه مهر و عشق از تاثیرگذاری حرص، آز، زیاده‌خواهی، انحراف و کجروی در زندگی انسان‌ها می‌گوید و می‌خواهد با نمایش تلخی‌ها و شیرینی‌ها مبلع زندگی سلامت خانوادگی و اجتماعی و ترویج‌گر سبک زندگی ایرانی - اسلامی باشد. سازندگان آتش سرد در بازنامه‌ی و بازسازی هنرمندانه مفاهیم و پیام‌های امیدوارانه سریال به توفیق رسیده‌اند. آتش سرد از نظر مضمون و محتوا، داستان و فیلمنامه، بازی‌ها، کارگردانی و پسندمخاطب نمره قبولی‌می‌گیرد.



خبر

«قاشق چای خوری» در دست مدرس

کتاب «قاشق چای‌خوری» اثر هوشنگ مرادی‌کرمانی با روایت امیرحسین مدرس در برنامه «به توان هفت» شنیدنی می‌شود. این برنامه که با محوریت داستان خوانی با لحن دلنشین امیرحسین مدرس تقدیم مخاطبان می‌شود، روایت داستان‌ها با محوریت فرهنگ عامه و پخش دیالوگ‌های زیبا و ماندگار فیلم‌های سینمایی عصر خاطره‌انگیزی را برای مخاطبان می‌سازد. یکشنبه ۱۵ آبان این برنامه باعنوان موضوعی «سینمای محبوب‌ما» به پخش دیالوگ‌های ماندگار فیلم «ناصرالدین‌شاه آکتور سینما» و روایت داستان از کتاب قاشق چای‌خوری اثر هوشنگ مرادی‌کرمانی می‌پردازد. به توان هفت از شنبه تا چهارشنبه ساعت ۱۲ و ۴ دقیقه به تهیه‌کنندگی مرگان فرزین تقدیم مخاطبان رادیو صبا می‌شود.

خاطرات کاغذی

خرس پدینگتون

مریم فلاح: پدینگتون یک خرس اسباب‌بازی با کلاهی بزرگ، پالتوی دافل و چمدانی رنگ و رو رفته است که علاقه زیادی به خوردن ساندویچ مارلاند دارد. اولین بار او را در ایستگاه قطار پدینگتون لندن دیدیم. روی او بر چسبی با این مضمون بود: «مراتب این خرس باشید». خانواده براون او را پیدا کردند و از آن پس در کنار بچه‌هایشان، جودی و جاناتان ماجراجوا داشت. عمو پاستورزو و عمه لوسی تنها فامیل‌های او بودند.

پدینگتون در مورد اتفاقاتی که برایش می‌افتاد با عمه‌اش نامه نگاری‌ها داشت. این کارتون براساس مجموعه کتابی نوشته مایکل باند و با تکنیک عروسک‌های سه بعدی و با یک گراند نقاشی شده دوبعدی ساخته شده بود. تماشای این کارتون برای بچه‌ها دهه ۸۰ انگلیس آن قدر جذاب بود که به یاد بود خرس پدینگتون، خرسی برنزی در ایستگاه پدینگتون قطار لندن نصب شد. تاکنون چندین فیلم و مجموعه از این داستان ساخته شده است.



کپورآردا اسکن کنید